



The challenges of joining cases in Civil procedure (Comparative study of Iranian and French law)

Badie Fathi

Assistant Professor, Department of Private and Economic Law, Faculty of Law and Political Sciences,
Allameh Tabatabai University, Iran, Email: badie.fathi@atu.ac.ir

Abstract

The principle of good administration of justice requires that all related lawsuits be investigated and dealt with by a single branch, so that the judge can render an appropriate judgment on all aspects of the case and also To avoid conflicting decisions. However, in the Civil procedure of Iran and France, various challenges may occur when joining related cases: If the judge does not find the connection between the lawsuits and examines each case separately and issues their decision, or if related cases are being heard in two branches of the same court and there is a dispute about the existence of a connection between the judges, does the president of the court have the right to resolve the dispute between the judges or not? What should be done if the cases are being heard in two courts with local jurisdiction and there is a dispute between the two courts regarding the existence of a connection between the cases? Or if there is a connection between the cases in absentee proceedings, is it possible to join the cases or not? What is the sanction for violating the joining of related cases? In this article, we are trying to find the challenges of joining related cases in a comparative way.

Keywords: Civil procedure, Procedural exceptions, Joining the cases, related cases, The principle of good administration of justice.

Received: 2024/01/21 ; **Revised:** 2024/03/27 ; **Accepted:** 2024/04/21 ; **Published online:** 2024/06/22

How To Cite: Badie Fathi (2024). The challenges of joining cases in Civil procedure (Comparative study of Iranian and French law), *Comparative Study on Islamic and Western Law*, 11(2), 91-114. <https://www.doi.org/10.22091/CSIW.2024.10319.2497>

Published by: University of Qom

© The Author(s)

Article type: Research





چالش‌های آیینی ادغام و تجمیع دعاواها در دادرسی مدنی ایران و فرانسه

بدیع فتحی

استادیار گروه حقوق خصوصی و اقتصادی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، ایران،
رایانامه: badie.fathi@atu.ac.ir

چکیده

اصل اداره شایسته جریان دادرسی مدنی ایران و فرانسه ایجاب می‌کند که به همه دعاوهای مرتبط در نزد یک شعبه مورد رسیدگی قرار گیرد تا دادرس با اشراف به همه جنبه‌های امر، قضاوت شایسته را انجام دهد و نیز از صدور آرای متعارض جلوگیری شود. اما در دادرسی مدنی ایران و فرانسه در جهت ادغام یا تجمیع دعاوهای مرتبط چالش‌های آیینی مختلفی ممکن است رخ دهد. چنانچه دادرس ارتباط میان دعاواها را احراز نکند و با این وجود رسیدگی و رای صادر کند و یا آن که پرونده‌های مرتبط در دو شعبه از یک مرجع قضاوتی در حال رسیدگی باشد و درباره وجود ارتباط میان دادرسان اختلاف به وجود آید در این موارد چه باید کرد؟ مقام ارجاع آیا امکان رفع اختلاف را دارد یا خیر؟ چنانچه دعاواها در دو مرجع دارای صلاحیت محلی در حال رسیدگی باشد و میان دو مرجع اختلاف رخ دهد چه باید کرد؟ یا آن که چنانچه در رسیدگی و اخواهی ارتباط میان پرونده‌ها محرز شود نحوه ادغام یا تجمیع پرونده‌ها چگونه خواهد بود؟ ضمانت اجرای نقض رسیدگی همزمان به دعاوهای مرتبط چیست؟ ما در این پژوهش به نحو تطبیقی درصدد یافتن چالش‌های آیینی ادغام و تجمیع دعاوهای مرتبط به ویژه با مطالعه رویه قضایی هستیم.

کلیدواژه‌ها: دادرسی مدنی، ایرادات، ادغام دعاوا، امر مرتبط، اصل اداره شایسته جریان دادرسی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۱؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۱/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۲؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۴/۰۲
استاد به این مقاله: فتحی، بدیع (۱۴۰۳). چالش‌های آیینی ادغام و تجمیع دعاواها در دادرسی مدنی ایران و فرانسه، پژوهش تطبیقی حقوق

اسلام و غرب، ۱۱(۲)، ۹۱-۱۱۴. <https://www.doi.org/10.22091/CSIW.2024.10319.2497>

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه قم



مقدمه

حق دادخواهی و حق دسترسی به عدالت^۱ یکی از تکالیف مهم دولت‌ها در برابر شهروندان می‌باشد. دولت موظف است به گونه‌ای امکانات اجرای این حق را فراهم آورد که دسترسی به عدالت و دادخواهی در پایان منجر به قضاوت شایسته شود. یکی از لوازم مهم این امر وجود مقررات و ضابطه‌های روشن برای رسیدگی همزمان به دعوای مرتبط و امر مطروحه می‌باشد. از همین رو است که رسیدگی همزمان به دعوای مرتبط از جایگاهی ویژه در دادرسی مدنی همه کشورها برخوردار است به گونه‌ای که می‌توان آن را یکی از اصول جهانشمول دانست هر چند که در کشورهای مختلف در خصوص تشریفات آیینی ادغام و تجمیع دعوای تفاوت‌هایی دیده می‌شود. در آیین دادرسی مدنی ایران و فرانسه نیز رسیدگی همزمان به دعوای مرتبط مورد توجه قرار گرفته است به گونه‌ای که حتی اصل رسیدگی همزمان بر اصل رسیدگی دو مرحله‌ای ماهیتی فائق شده و در مواردی دعوی طاری یا مرتبط ابتدانا قابل طرح در دادگاه پژوهش (تجدیدنظر) است. (از جمله ماده‌های ۱۳۰ و ۱۳۵ ق.آ.د.م ایران و ماده ۳۲۷ و ۵۶۷ آ.د.م.ف).

هر چند دادرسان در بررسی بود یا نبود ارتباط میان پرونده‌ها آزادی عمل دارند^۲ اما چنانچه پذیرفته شود که دعوای مرتبط هستند دادگاه الزام دارد که به پرونده‌ها همزمان و با هم رسیدگی نماید. زیرا با رسیدگی جداگانه به پرونده‌ها امکان صدور آرای متعارض بیشتر می‌شود و در عین حال با رسیدگی همزمان حل و فصل اختلاف‌ها سریع‌تر صورت می‌گیرد و احقاق حق نیز درست‌تر و شایسته‌تر انجام می‌شود. در خصوص آیین رسیدگی همزمان به پرونده‌های مرتبط برحسب اینکه پرونده در همان دادگاه و در همان شعبه باشد و یا در همان دادگاه و شعبه‌ای دیگر و یا در دادگاهی دیگر باشد و این که در چه مقطع یا مرحله‌ای از رسیدگی باشد، آیین و تشریفات متفاوتی دارد و در این باره چالش‌هایی در میان دکتربین و رویه قضایی دارد.^۳ چالش‌هایی همچون هنگامی که میان دو شعبه از یک مرجع یا دو مرجع در تشخیص امر مرتبط اختلاف به وجود می‌آید نظر کدام مرجع متبع است؟ آیا رئیس حوزه قضایی اختیار دخالت در تشخیص ارتباط میان پرونده‌ها و حل و فصل اختلاف را دارد یا خیر؟ چنانچه پرونده‌ها در دو مرجع قضایی باشد و اختلاف حادث شود چه باید کرد؟ آیا موضوع از موارد صدور قرار عدم صلاحیت و در نتیجه برابر مقررات اختلاف در صلاحیت باید عمل کرد یا چنانچه در کلام دکتربین متداول است باید قرار

1. libre accès à la justice

2. Civ. 3e, 23 juin 1971, Bull. civ. III, no 402. – Civ. 1re, 15 juin 1980, Bull. civ. I, no 114. – Civ. 2e, 21 juill. 1986, D. 1987. Somm. 274) ou de la recevabilité de la reconvention (Civ. 2e, 14 janv. 1987, Bull. civ. II, no 12. – Civ. 1re, 4 oct. 1989, préc. supra, no 5). voir: (Douchy-Oudot, 2017, n18).

۳. شایسته گفتن است که در این مقاله چالش‌های ادغام و تجمیع دعوایا در مراجع قضایی حقوقی و خانواده مورد رسیدگی قرار گرفته است و چالش‌های تجمیع و ادغام دعوایا در مراجع اداری و کیفری به جهت محدود بودن شمار واژگانی مقاله مورد بررسی قرارنگرفته است.

امتناع از رسیدگی صادر کرد؟ قاعده پیشینه (سبق) ارجاع چه جایگاهی در قانون و در رویه قضایی جهت حل اختلاف میان دادرسان در تشخیص ارتباط دارد؟ چنانچه پرونده‌ها مرتبط باشند و با وجود ارتباط جدگانه مورد رسیدگی قرار گیرند چه ضمانت اجرایی دارد؟ آیا از موارد فسخ یا نقض رای صادر شده می‌باشد یا خیر؟ ما در زیر به بررسی این پرسش‌ها و چالش‌ها می‌پردازیم.^۱

۱. ادغام دعوای در یک شعبه از یک مرجع

بر اساس ماده ۱۰۳ ق.آ.د.م، «اگر دعوای دیگری که ارتباط کامل با دعوی طرح شده دارند، در همان دادگاه مطرح باشند، دادگاه به تمامی آنها یکجا رسیدگی می‌نماید...». با توجه به بخش زیرین ماده ۱۰۳، مقصود از «دادگاه» در بخش فرازین ماده یادشده همان شعبه از همان دادگاه می‌باشد. به بیانی دیگر، دادگاه در اینجا به حوزه قضایی یک بخش یا شهرستان و... اطلاق نمی‌شود، بلکه به «یک شعبه» از یک حوزه قضایی اطلاق شده است که مجاز کل از جزء^۲ و این تنها در همین ماده نیست که قانونگذار «دادگاه» به یک شعبه از همان دادگاه اطلاق کرده است، بلکه در سراسر قانون آیین دادرسی مدنی در کمتر ماده‌ای می‌توان یافت که مقصود از دادگاه حوزه قضایی باشد. در حقیقت در بیشتر مواد قانونگذار از این گونه مجاز استفاده کرده است (به عنوان نمونه ر. ک مواد ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲ و...).

در باره چگونگی رسیدگی همزمان به پرونده‌هایی که در همان شعبه از همان دادگاه مطرح است، دادگاه با احراز و دست یابی به ارتباط بین دعوای، قرار رسیدگی همزمان به پرونده‌های مرتبط صادر می‌کند و به دفتر دستور می‌دهد که وقت هر دو پرونده در یک روز و یک ساعت با همدیگر تعیین شود. در فرانسه نیز برابر ماده ۳۶۷ ق.آ.د.م.ف دادرس به درخواست دو طرف یا رأساً می‌تواند دستور رسیدگی همزمان به پرونده‌هایی که مرتبط هستند را صادر کند. ملاک دادرس در احراز ارتباط در چنین مواردی این

۱. گفتنی است که ایراد ارتباط و امر مطروحه و رسیدگی همزمان به دعوای مرتبط برابر قانون آیین دادرسی مدنی ایران؛ تنها در دادگاه، پیش‌بینی شده است و معلوم نیست چنانچه دعوی مرتبطی یا همان دعوا در مرجع حقوقی غیر دادگستری طرح شود، تکلیف چیست؟ برای نمونه چنانچه در مورد چک غیرصادی؛ شخص هم از قسمت اجرای اسناد اداره ثبت، اجرای چک و... خواسته شود و هم از دادگاه، قانون مشخص نکرده که رسیدگی در کجا باید متوقف شود در بند ۲ ماده ۸۴ تنها به دادگاه‌های «هم‌عرض» پرداخته شده و حتی درخصوص امر مطروحه و ارتباط دعوای در دادگاه‌های ناهم‌درجه؛ حکمی ندارد.

۲. «مجاز استعمال لفظ است در غیر معنی اصلی و موضوعاً له حقیقی به مناسبتی، و آن مناسبت را در اصطلاح فن بدیع علاقه گویند.» (همایی، ۱۳۸۹: ۱۶۹). «مجاز را (در مقابل حقیقت) به مجاز شرعی و عرفی و عقلی و لغوی تقسیم می‌کنند... علاقه کلیت و جزئیت به این معنی است که بتوان به دلالت تضمن، کل را در معنی جزء یا جزء را در معنی کل به کار برد: آب صافی شده است خون دل/ خون تیره شده است آب سرم (مسعود سعد) که مراد از آب سر، آب چشم است.» (شمیسا، ۱۳۷۰: ۴۱-۴۰).

است که آیا با ادغام و رسیدگی همزمان به پرونده‌ها قضاوت شایسته‌ای صورت می‌گیرد یا خیر؟^۱ در فرانسه گفته شده هر چند دادگاه رأساً می‌تواند دستور ادغام پرونده‌ها به جهت ارتباط را صادر کند، اما اگر این درخواست از وی نشده باشد، تکلیفی به انجام این کار ندارد.^۲ امری که با توجه به مبانی رسیدگی همزمان در ایران قابل پذیرش نیست و در عمل نیز رویه قضایی بر تکلیفی بودن ادغام در صورت وجود ارتباط میان دعوایا شکل گرفته و لحن ماده ۱۰۳ ق.آ.د.م نیز حکایت از «تکلیف» دادگاه حتی در صورت طرح نشدن ایراد پرونده‌های مرتبط می‌باشد. در فرانسه برابر قاعده عمومی مذکور در ماده ۵۰ آ.د.م. طواری رسیدگی توسط مرجعی که به موضوع رسیدگی می‌کند حل و فصل می‌شود^۳ با این همه قاضی آماده‌ساز پرونده در مرجع نخستین برابر ماده ۷۸۳ و قاضی مسؤول تحقیق پرونده تجاری برابر ماده ۸۶۴ و قاضی مسؤول تحقیق پرونده در دادگاه تجدیدنظر برابر ماده ۹۰۷^۴ و ماده ۹۴۲^۵ می‌تواند دستور ادغام پرونده‌ها را صادر کند اما در ایران شوربختانه قاضی آماده‌ساز پرونده وجود ندارد بنابراین تنها دادرسانی که پرونده نزد آنان رسیدگی می‌شود می‌توانند دستور ادغام پرونده‌ها را بدهند و وکیل‌های پرونده و اصحاب دعوا نیز می‌توانند چنین درخواستی از دادرس داشته باشند.

در صورتی که سپس دادرس متوجه شود که تشخیص وی در احراز ارتباط میان پرونده‌ها نادرست بوده است در آیین دادرسی مدنی فرانسه برابر حکم کلی زیر ماده ۳۶۷ که مقرر می‌دارد دادرس می‌تواند دستور جداسازی یک دعوا از چند دعوای در حال رسیدگی را مطرح کند؛ عمل می‌شود. در آیین دادرسی مدنی ایران هر چند نص کلی‌ای در مورد دعوایا مرتبط یا طاری وجود ندارد که دادگاه می‌تواند دستور

1. Art 567: Le juge peut, à la demande des parties ou d'office, ordonner la jonction de plusieurs instances pendantes devant lui s'il existe entre les litiges un lien tel qu'il soit de l'intérêt d'une bonne justice de les faire instruire ou juger ensemble. Il peut également ordonner la disjonction d'une instance en plusieurs.
Décret 75-1123 1975-12-05 JORF 9 décembre 1975 rectificatif JORF 27 janvier 1976.

2. Soc. 20 mars 1990, no 87-41. 992, Bull. civ. V, no 128; JCP 1990. IV. 194.

3. Cass. 2e civ., 7 mai 2009, n° 08-14.929; JurisData n° 2009-048186.

۴. ماده ۷۸۳ آیین دادرسی مدنی فرانسه: «قاضی آماده‌ساز ادغام یا جداسازی دعوایا در حال رسیدگی را انجام می‌دهد.»

Article 783-Version en vigueur depuis le 01 janvier 2020. Modifié par Décret n° 2019-1333 du 11 décembre 2019 - art.4

Le juge de la mise en état procède aux jonctions et disjonctions d'instance

تا پیش از اصلاح‌های سال ۲۰۱۹ این ماده به همین صورت کنونی در ماده ۷۶۶ آمده بود.

ماده ۸۶۴ آ.د.م.ف: «قاضی مسؤول تحقیق پرونده ادغام یا جداسازی دعوایا در حال رسیدگی را انجام می‌دهد...»

ماده ۹۰۷ آ.د.م.ف: «جز در موردی که موضوع مشمول ماده ۹۰۵ اعمال می‌شود، پرونده زیر نظر دادرس شعبه برابر شرایط مقرر در ماده‌های ۷۸۰ تا ۸۰۷ با در نظر گرفتن مقررات بعدی، رسیدگی می‌شود.»

۵. ماده ۹۴۲ آ.د.م.ف: «قاضی مسؤول تحقیق پرونده... ادغام یا جداسازی دعوایا در حال رسیدگی را انجام می‌دهد.»

جداسازی آنها را صادر کند. اما در ماده ۱۳۳ قانون آیین دادرسی مدنی در زیر دعوای ورود ثالث و در ماده ۱۳۹ ق.آ.د.م در زیر دعوای جلب ثالث با شرایطی امکان جداسازی پرونده‌های مرتبط را داده است. نباید چنین استنباط کرد که مفهوم مخالف این ماده‌ها این است که دادگاه در مورد دیگر دعوای طاری و مرتبط و یا در مورد دعوای ورود ثالث یا جلب ثالث که ارتباط با دعوای اصلی ندارند اختیار جداسازی پرونده‌ها را ندارد. در حقیقت ماهیت عمل قضایی ادغام پرونده‌های مرتبط یک عمل ساده قضایی می‌باشد نه قرار به معنایی که در ماده ۲۹۹ ق.آ.د.م آمده است. بنابراین آثار یک عمل ساده قضایی بر آن بار می‌شود. بنابراین امکان بازگشت دادگاه از رسیدگی همزمان به این جهت که انگاره نخستین‌اش در تشخیص ارتباط میان دعوای نادرست بوده، وجود دارد.

در حقوق فرانسه در خصوص ماهیت تصمیمی که رئیس شعبه می‌گیرد برابر ماده ۳۶۸ گفته شده که الحاق یا تفکیک دعوای از ترتیبات اداره قضایی است بنابراین قابل اعتراض نمی‌باشد (ماده ۵۳۷ کد.آ.د.م.ف)^۱ مگر در موردی که از محدوده اختیارات و رویه ثابت تجاوز شده باشد.^۲ دادگاه اروپایی حقوق بشر در مواردی این تصمیم را در چهارچوب اصل اداره شایسته دادرسی^۳ و کارکرد معقول و مناسب بودن آن را مورد بررسی قرار داده است.^۴ قاعده اعتبار امر مختومه و فراغ دادرسی شامل تصمیم رسیدگی همزمان به دعوای مرتبط نمی‌شود. در حقوق ایران، قانون آیین دادرسی مدنی ماهیت تصمیم رئیس شعبه در خصوص ادغام پرونده‌ها را مشخص نکرده است اما روشن است که «بررسی و تشخیص ارتباط کامل بین دعوای به صلاحدید دادگاه می‌باشد و از تصمیماتی است که حکم شمرده نمی‌شود، قابل شکایت نمی‌باشد و حتی لازم نیست مستدل باشد و در نتیجه از اعتبار امر قضاوت شده نیز برخوردار نمی‌باشد، بنابراین دادگاهی که در اجرای ماده ۱۰۳ ق.ج دعوای متعدد را ادغام نموده می‌تواند سپس آنها را تفکیک نماید.» (شمس، ۱۳۹۵، ج ۳: ش ۸۱) این درحالی است که در حالت عادی پس از ارجاع پرونده به شعبه برابر ماده ۳۹۱ ق.آ.د.م، رئیس شعبه نخست (مقام ارجاع) نمی‌تواند از تصمیم خود بازگشت کند.

چالشی که در این باره وجود دارد تشخیص ندادن دادگاه در وجود ارتباط میان پرونده‌ها است. در

1. Art. 537 Les mesures d'administration judiciaire ne sont sujettes à aucun recours. https://www.dalloz.fr/documentation/Document?id=CODE_NCPC_ARTI_537&scrl=NCPC003821
2. Soc. 2 févr. 1966, JCP 1966. IV. 38. – Civ. Ire, 16 juin 1981, Bull. civ. I, no 219. – Civ. 2e, 16 févr. 1984, Bull. civ. II, no 31 ; Gaz. Pal. 1985. I. 209, note du Rusquec. – Civ. Ire, 19 nov. 1991, no 90-16. 415, Bull. civ. I, no 319. – Civ. 2e, 17 mai 1993, no 91-20. 849, Bull. civ. II, no 176. – Rapp. Civ. 2e, 18 déc. 2008, no 07-21. 164). v: (Cadiet, 2016: n35)
3. principe d'une bonne administration de la justice
4. CEDH, 24 juin 2003, n° 65831/01: JurisData n° 2003-258930 ; JCP G 2009, 143, F. Sudre ; D. 2004, p. 987, J.-F. Renucci).

حقیقت پرسش این است که با توجه به این که تشخیص امر مرتبط با دادگاه است^۱ و به باور دیوان عالی کشور فرانسه امری ماهوی است^۲ اگر پرونده‌ها مرتبط باشند و قاضی پرونده‌ها را مرتبط تشخیص ندهد در این صورت قضاوت شایسته‌ای صورت نمی‌گیرد. برای نمونه یکی از دادرسان دادگاه نخستین تهران نقل می‌کرد که پرونده الزام به پرداخت وجه سفته رسیدگی کرده و رای بر محکومیت خواننده صادر کرده و در دادگاه تجدیدنظر استان تهران قطعی شده است و در همان زمان دعوی مرتبط الزام به استرداد لاشه سفته‌ها نیز مطرح شده بود ولی ایشان پرونده‌ها را ادغام نکرده و در مورد استرداد لاشه سفته‌ها پرونده را باز گذاشته و در رسیدگی کنونی به دعوی استرداد لاشه سفته‌ها به این نتیجه رسیده که ادعای خواهان درست است و لذا پرسش داشت که چه باید کرد؟ در این نمونه‌ها باید نخست به این پرسش پاسخ داد که موضوع دعوا^۳ چیست؟ آیا اسباب موجهه حکم شامل اعتبار امر قضاوت شده می‌شود یا خیر؟ در صورتی که دادگاه اسباب موجهه را دارای اعتبار امر قضاوت شده بداند می‌باید قرار رد دعوا صادر کند اما چنانچه دادگاه اسباب موجهه را دارای اعتبار امر قضاوت شده نداند مشکل و چالش بزرگی پیش می‌آید از یک سو دادگاه تصمیمی می‌گیرد که آشکارا در تضاد با رای پیشین وی است و از سویی تصمیمی گرفته می‌شود اگر هم با عبور از ظواهر قانونی مشمول اعاده دادرسی یا فرجام‌خواهی دانسته شود در مورد فرجام‌خواهی رای دوم باطل می‌شود و «رای اول در صورت مخالفت با قانون نقض خواهد شد» (ماده ۳۷۶ ق.آ.د.م) و در مورد اعاده دادرسی نیز رای دوم فسخ می‌شود و قانون صراحتی در مورد فسخ رای نخست ندارد. (ماده ۴۳۹ ق.آ.د.م).

۲. دعوای مرتبط در شعبه‌های گوناگون یک مرجع قضاوتی مطرح باشند

در صورتی که دعوای مرتبط در چند شعبه از یک مرجع قضاوتی (دادگاه (عمومی) حقوقی، خانواده، تجدیدنظر و...) مطرح باشد، در این صورت «... در یکی از شعب با تعیین رئیس شعبه اول یک‌جا

1. Civ. 3e, 10 juill. 1969, Bull. civ. III, no 572. – Civ. 1re, 6 juin 1978, Bull. civ. I, no 214. – Civ. 1re, 15 avr. 1980, Bull. civ. I, no 114. – Com. 30 nov. 1982, Bull. civ. IV, no 30. – Civ. 1re, 21 nov. 1995, no 93-17.468, Bull. civ. I, no 419. – Civ. 3e, 8 janv. 1997, no 95-12.314, Bull. civ. III, no 9. – Civ. 3e, 8 déc. 1999, no 98-10.397, Bull. civ. III, no 232. – Com. 25 janv. 2000, no 97-19.638, Bull. civ. IV, no 20 ; D. 2002. 1393, obs. B. Audit ; Rev. crit. DIP 2000. 462, obs. M.-E. Ancel). Voir: (Douchy-Oudot, 2017:n15)
2. Cour de cassation affirme que cette connexité est souverainement appréciée par les juges du fond (Com. 10 mars 1987, Bull. civ. IV, no 68. – Civ. 2e, 3 janv. 1979, préc. supra, no 9. – Civ. 1re, 18 avr. 1972, Bull. civ. I, no 104 ; D. 1972. Somm. 192. – Civ. 1re, 21 mai 1959, D. 1959. 453. – Civ. 3e, 20 janv. 1976, Bull. civ. III, no 22. – Cass. ch. mixte, 9 nov. 2007, no 06-19.508, JCP 2008. II. 10070, note Serinet ; JCP 2008. I. 138, obs. Amrani-Mekki ; Procédures 2008, no 5, note Perrot ; Dr. et proc. 2008. 90, note Douchy-Oudot). Voir: (d' AMBRA et Boucon, 2014: n14).
3. L'objet du litige

رسیدگی خواهد شد» (ماده ۱۰۳ ق.آ.د.م).^۱ این امر در شهرهای بزرگ که ممکن است چند مجتمع قضایی وجود داشته باشد، توسط سرپرست مجتمع یا معاونت ارجاع انجام می‌شود. باید توجه داشت که در ماده ۱۰۳ هر چند واژه «دادگاه» به کار رفته است اما با توجه به مبنای دعوای مرتبط ملاک آن برای دیوان عالی کشور نیز اجرا می‌شود. از این رو شعبه دهم دیوان عالی کشور^۲ رسیدگی همزمان به پرونده‌های مرتبط را قابل اعمال در دیوان عالی کشور نیز دانسته است و پرونده را برای ارجاع به شعبه نهم دیوان عالی (شعبه دارای پیشینه ارجاع) به نظر معاونت ارجاع رسانده و سپس پرونده‌ها در شعبه نهم ادغام شده است.

ماده ۱۰۳ ق.آ.د.م مدنی همچنین استثنایی بر قاعده مندرج در ماده ۳۹۱ ق.آ.د.م می‌باشد که برابر آن بازگشت از ارجاع امکان‌پذیر نیست. در حقیقت ماده ۳۹۱ به خاطر رعایت بی‌طرفی و اعتماد مردم به دستگاه قضایی است. با این همه مصالح و معاذیری همچون تبصره ماده ۳ ق.آ.د.م^۳ و نیز ماده ۱۰۳ که پرهیز از صدور آرای متعارض احتمالی و دادستان‌مندی نیکو ایجاب می‌کند که بر این قاعده استثناءهایی بار شود.

چنانچه پرونده در شعبه دیگر از همان مرجع باشد، در این صورت بسته به این که وقت مقرر تعیین شده باشد یا هنوز وقت مقرر تعیین نشده باشد متفاوت می‌باید عمل کرد. چنانچه وقت مقرر تعیین نشده باشد دادرسی دستور تعیین وقت احتیاطی (نظارت) برای پرونده مطرح در شعبه خود تعیین صادر و پرونده شعبه دیگر را مطالبه و مطالعه می‌کند و در صورت احراز ارتباط میان پرونده‌ها، شرحی به رئیس مرجع قضاوتی (مقام ارجاع) با ذکر تاریخ تقدیم دادخواست‌ها می‌نویسد که به هر دو پرونده همزمان رسیدگی شود اما چنانچه وقت مقرر تعیین شده باشد به نظر می‌رسد که بهتر است برای جلوگیری از سوء استفاده اصحاب دعوا و لحاظ اصل سرعت در دادرسی^۴ جلسه مقرر می‌باید تشکیل شود. برابر ظاهر قانون آیین دادرسی مدنی نیز اطلاع از پرونده‌های مرتبط از موارد تاخیر یا تغییر جلسه رسیدگی نمی‌باشد اما تا مشخص شدن وضعیت عنصر ارتباط میان پرونده‌ها نباید حکم صادر شود. در حقیقت اصل سرعت را باید با الزامات گوناگون مانند اصل تناظر و اصل مستدل و مستند بودن و اصل اداره شایسته جریان دادرسی تطبیق دهیم (Didier, 2006: 458) و در این صورت صرفه‌جویی در زمان در کنار تضمین‌های

۱. مشابه ماده ۱۳۳ ق.آ.د.م ۱۳۱۸ با اندکی تفاوت و جایجایی در واژگان.

۲. دادنامه ۲۸۱۰۰۰۹۷۰۹۹۷۰۹۳۰ تاریخ ۱۳۹۳/۵/۲۰ شعبه دهم دیوان عالی کشور رئیس: محمدهادی عبدالله‌پور، مستشار: ق. صدوقی‌فر.

۳. تبصره ماده ۳ ق.آ.د.م: چنانچه قاضی مجتهد باشد و قانون را خلاف شرع بداند پرونده به شعبه دیگری جهت رسیدگی ارجاع خواهد شد.

اساسی برای انجام دادرسی شایسته صورت می‌گیرد.^۱

چنانچه پرونده در دو شعبه از یک مرجع باشند دادرسان مکلف هستند که در صورت احراز ارتباط میان دعوها، ادغام را انجام دهند و از این رو برخی آرای قضایی که حکایت از این دارد که دادگاه می‌تواند یا قرار توقف صادر کند و یا آن که رسیدگی را ادغام کند، تصمیم قابل دفاعی نیست. برای نمونه شعبه ۸ دیوان عالی کشور در دادنامه شماره ۱۶۴۵/۱۰۶۸۰۹۰۹۷۰۹۲۰۹۹۷ تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۱^۲ با وجود آن که عدم رسیدگی همزمان به دعوهای مرتبط در دو شعبه ۱۱ و ۱۳ دادگاه تجدیدنظر استان آذربایجان شرقی را سبب نقض دادنامه دانسته است، شعبه ۱۳ دادگاه تجدیدنظر که دارای ارجاع لاحق بوده را مخیر کرده که «... دادرسی را متوقف کند تا به تشخیص خود یا پس از خاتمه رسیدگی نسبت به دعوی خانم و.ح. در پرونده پیوست پرونده حاضر در شعبه یازدهم دادگاه تجدیدنظر استان و صدور رأی نهایی در این پرونده متعاقباً نسبت به صدور رأی مقتضی در خصوص دعوی تجدیدنظر مطروحه در پرونده حاضر اقدام نماید یا اینکه به لحاظ ضرورت رسیدگی توأمان به هر دو پرونده مربوط به دعاوی خانم و.ح. و خانم ص.ص. در یک دادگاه در مورد ارجاع پرونده حاضر به شعبه یازدهم دادگاه تجدیدنظر استان جهت رسیدگی توأمان این پرونده با پرونده مربوط به تجدیدنظرخواهی خانم و.ح. که در آن شعبه مطرح رسیدگی بوده اقدام لازم معمول دارد». این تصمیم شعبه ۸ دیوان عالی کشور که اختیار در توقف دعوا یا رسیدگی همزمان به دعوهای مرتبط داده است آشکارا نقض ماده ۱۰۳ آیین دادرسی مدنی می‌باشد با این وجود تصمیم به نقض حکم مورد فرجام خواسته به خواسته اثبات نکاح دائم به جهت عدم رسیدگی همزمان به دعوی مرتبط دیگر مبنی بر نفی زوجیت که توسط ورثه دیگر مطرح شده از حرکتی پیشرو و قابل حمایت در دادرسی مدنی ایران می‌باشد.

هنگامی که پرونده‌های مرتبط در دو شعبه در جریان رسیدگی هستند، در عمل درباره اینکه چرا دعوها مرتبط هستند و این که تشخیص احراز آن با قاضی رسیدگی کننده است یا مقام ارجاع نیز می‌تواند بر امر ارتباط نظارت کند و یا آن که شعبه ارجاع شونده نیز می‌تواند به جهت نبود ارتباط میان پرونده‌ها پرونده را به شعبه اولیه برگشت دهد اختلاف دیدگاه وجود دارد. به نظر برخی دادرسان تشخیص ارتباط با قاضی رسیده کننده می‌باشد و رئیس مرجع قضایی تنها صالح در ارجاع می‌باشد. با این همه، در مصاحبه‌هایی که با معاون ارجاع برخی مجتمع‌های قضایی تهران داشتم، آنها بیان می‌داشتند که برای

1. Magendie Jean-Claude, *Célérité et qualité de la justice. La gestion du temps dans le procès. Rapport remis au Garde des sceaux*, La documentation française, 2004, spéc. p. 19: «la célérité n'est qu'un élément parmi d'autres qui favorise une justice de qualité. Elle n'est pas une valeur en soi; elle ne constitue pas un objectif en soi. C'est presque le contraire: la justice est rendue à l'issue d'un processus juridictionnel. Le procès est un processus qui réclame du temps. Ce temps est nécessaire».
https://www.justice.gouv.fr/sites/default/files/migrations/presse/art_pix/rapport-magendie.pdf

2. <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/7634>

جلوگیری از فرار دادرسان از پرونده‌های سنگین یا حاشیه‌دار و پرونده‌های مسن و ... خود به احراز ارتباط میان دعوای می‌پردازند. نگارنده که خود روزگاری در منصب قضاء و مقام ارجاع پرونده نیز بوده به خوبی می‌داند که گرفتن یک پرونده از یک دادرس و ارجاع آن به دادرس دیگری به جهت جنون کمیت و آمارگرایی^۱ که در قوه قضائیه فشار بر دادرسان وارد می‌کند و این سیاست موجب کنار رفتن والاترین ارزش دادرسی که کشف حقیقت است شده است و تنها پرونده وارده و مختومه شمارش می‌شود، اغلب اعتراض یکی از دادرس‌ها (دادرس شعبه ارجاع شونده) را به دنبال دارد و نیز از آن رو که با تهیه گزارش یکی از دادرسان به مقام ارجاع می‌تواند موجب تحمیل نظر یک دادرس بر دیگری برای تشخیص ارتباط و در نتیجه ارجاع پرونده شود بایستی به دادرس شعبه مرجوع الیه نیز امکان رد نظر دادرس دیگر در تشخیص ارتباط را داد. در این صورت چنانچه اختلافی میان دادرسان به وجود آید اختلاف پیش آمده از موارد عدم صلاحیت نیست و از سویی دیگر ممکن است که پرونده‌ها به راستی و درستی مرتبط باشند و لذا برای پیشگیری از صدور آرای متعارض و اداره شایسته دادرسی و قضاوت شایسته به نظر می‌رسد که بهترین راهکار آن است که رئیس شعبه نخست یا مقام ارجاع به حل اختلاف مربوطه بپردازد و به تشخیص خود عمل کند. به باور نگارنده حتی در مواردی در خصوص وجود ارتباط میان پرونده‌ها تردید وجود دارد و ظنی بر وجود نقض اصل صداقت در دادرسی توسط دو طرف برای دور زدن ماده ۳۹۱ ق.آ.د.م وجود ندارد صلاح و خیر و احتیاط آن است که پرونده‌ها نزد یک شعبه ادغام شوند زیرا اگر پرونده‌ها مرتبط بوده و تفکیک شده باشند ممکن است قضاوت شایسته تحت تاثیر قرار گیرد در حالی که اگر پرونده‌ها در یک شعبه ادغام شود در صورتی که مرتبط نباشند دادرس می‌تواند سپس دستور جداسازی آنها را بدهد و تنها ماده ۳۹۱ که جزئی از قضاوت شایسته است و نه تمام آن نقض می‌شود.

در فرانسه ماده ۱۰۷ ق.آ.د.م.ف درباره دعوای مرتبطی که در دو شعبه از یک مرجع قضایی هستند، حاکم می‌باشد. برابر ماده ۱۰۷ «اگر در امر مرتبط میان شعب متعدد یک مرجع قضایی اشکال به وجود آید، این مسائل بدون تشریفات توسط رئیس آن مرجع قضایی حل و فصل می‌شود ...» زیرا رئیس حوزه قضایی باید از این میزان اختیارات مدیریتی دارا باشد تا بتواند اینگونه چالش‌هایی آیینی که به امور مدیریتی نیز ارتباط پیدا می‌کند حل و فصل کنند. (Cadiet, 2016: n20) ادغام پرونده‌ها می‌تواند در دادگاه تجدیدنظر باشد، در صورت احراز ارتباط در رسیدگی تجدیدنظر دعوای باید با همدیگر مورد رسیدگی و صدور حکم قرار گیرند.^۲ در موردی که دعوایی که در صلاحیت دادگاه تجاری بود و یک دعوا در صلاحیت دادگاه مدنی بود و از هر دو تجدیدنظرخواهی به عمل آمده بود، دادگاه تجدیدنظر به این جهت که این دعوای دارای وحدت اصحاب دعوا نمی‌باشند و نیز دادگاه نمی‌تواند در مورد هر دو دعوا در یک

۱. تعبیر از رنه گنون به فرانسوی René Guénon.

2. Chambéry, 27 févr. 1905, DP 1909. 2. 134: (Cadiet, 2016, n, 32)

رای تصمیم بگیرد زیرا یکی تجاری و دیگری مدنی است، ادغام این دعواها را نپذیرفت اما این رای، به درستی، مورد انتقاد دکتین در فرانسه قرار گرفته است.^۱ زیرا وحدت اصحاب دعوا شرط تحقق ارتباط نمی‌باشد و نیز ممکن است در رسیدگی تحول^۲ صورت گیرد مانند طرح دعوی ورود شخص ثالث در دادگاه تجدیدنظر که در چنین حالتی اقتضاء دارد که پرونده‌ها ادغام شوند (Cadiet, 2016: n33). همچنین در دیوان عالی کشور امکان تجمیع دعواها به جهت ارتباط وجود دارد.^۳ در صورت ادغام دعواها به هر دعوا تحت قواعد دادرسی اختصاصی خود رسیدگی می‌شود.^۴

ریس شعبه نخست چه در ایران و چه در فرانسه راسا نمی‌تواند به جهت ارتباط میان پرونده‌ها پرونده را از یک شعبه گرفته و به شعبه دیگر ارجاع دهد. در حقوق فرانسه در خصوص ماهیت تصمیمی که رئیس شعبه یا رئیس شعبه نخست می‌گیرد برابر ماده ۱۰۷ و ۳۶۸ از ترتیبات اداره قضایی است.^۵ بنابراین قابل اعتراض نمی‌باشد (ماده ۵۳۷ ک.آ.د.م.ف)^۶ در قانون آیین دادرسی مدنی ایران ماهیت تصمیم رئیس شعبه نخست در خصوص الحاق پرونده‌ها به یکدیگر را مشخص نکرده است اما روشن است که ماهیت آن دستور و یک عمل اداری است (هرمزی، ۱۳۹۷: ۱۹۴).

۳. دعوای مرتبط در دو یا چند مرجع^۷

ممکن است دعوای مرتبط در دو یا چند مرجع هم عرض هم درجه مانند دو دادگاه خانواده یا دو دادگاه حقوقی یا دو دادگاه صلح از یک استان یا از دو استان اعم از نخستین یا تجدیدنظر مطرح باشد؛ در این صورت «هرگاه دعوی در دادگاه دیگری تحت رسیدگی باشد، از رسیدگی خودداری کرد [و] پرونده را به

1. Lyon, 22 janv. 1925, DP 1926. 2. 80.

2. l'évolution du litige peut justifier qu'une situation de connexité n'apparaisse qu'en appel à la suite, par exemple, de l'intervention d'un tiers.

3. Civ. 3e, 11 janv. 1978, D. 1978. IR 86, obs. Julien.

4. Civ. 26 févr. 1868, DP 1868. 1. 223. – Amiens, 29 janv. 1891, DP 1891. 2. 345. – Adde, pour une illustration, au sujet des voies de recours, Civ. 2e, 9 mai 1985, Bull. civ. II, no 96). La jonction d'instances ne crée pas une procédure unique (Civ. 2e, 13 mai 2015, no 14-15. 362. – Civ. 3e, 26 sept. 2007, no 06-16. 538. – Com. 3 juill. 2007, no 05-16. 360. – Civ. 3e, 26 févr. 2003, JCP 2003. IV. 1736 et sur la nécessité, par voie de conséquence, de prendre en compte l'ensemble des conclusions déposées dans chacune des instances jointes. – Rapp., au regard des conclusions récapitulatives, Civ. 2e, 25 juin 2015, no 14-16. 292, JCP 2015. 822, obs. Laporte et 1304, no 10, obs. Serinet ; Gaz. Pal. 20-22 sept. 2015, 24, note Raschel, D. 2016. Pan. 449, obs. Fricero);(Cadiet, 2016: n37)

۵. ماده ۳۶۸ ق.ج.آ.د.م.ف «ادغام یا جداسازی دعواها از ترتیبات اداره قضایی است».

۶. ماده ۵۳۷ ک.آ.د.م.ف: «ترتیبات اداره قضایی نمی‌تواند موضوع هیچ‌گونه شکایتی قرار گیرند.»

7. Demandes connexes formées devant des juridictions différentes de même degré ou ne sont pas de même degré.

دادگاهی که دعوی در آن مطرح است، می‌فرستد...» (ماده ۱۸۹).^۱

در عین حال ممکن است مرجع‌هایی که دعوای مرتبط در آن مطرح شده هم درجه نباشند مانند یک دعوا در دادگاه صلح مطرح شده باشد و دعوای دیگر در دادگاه نخستین و یا آن که یک دعوا در دادگاه نخستین باشد و دعوای دیگر در دادگاه تجدیدنظر در این صورت نیز به نظر می‌رسد که مبانی رسیدگی همزمان میان دعوای مرتبط که عبارتند از صرفه‌جویی در هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی دعوا، اداره شایسته دادرسی، قضاوت شایسته و جلوگیری از صدور آرای متعارض اقتضا دارد که رسیدگی همزمان صورت گیرد. زیرا میان دعوای مرتبط آنقدر وابستگی آیینی مستحکم و نیرومند است که اگر با همدیگر رسیدگی نشوند اصل سرعت و قضاوت شایسته نقض می‌شود. برای نمونه اگر پرونده خلع ید در دادگاه تجدیدنظر مطرح باشد و در دادگاه نخستین دعوای ابطال سند رسمی همان مطرح شده باشد چنانچه به هر دو پرونده همزمان رسیدگی نشود چند حالت متصور است: یا هر دو مرجع به رسیدگی خود ادامه داده و رای صادر می‌کنند که ممکن است دادگاه تجدیدنظر حکم به خلع ید دهد و دادگاه نخستین هم حکم به ابطال سند دهد در چنین صورتی اگر حکم مبنی بر ابطال سند رسمی مالکیت در دادگاه تجدیدنظر در همان شعبه یا شعبه دیگری استوار شود با حکم متعارض روبرو هستیم که با توجه به ظاهر بند ۴ ماده ۴۲۶ و بند ۴ ماده ۳۷۱ ق.آ.د.م مشمول اعاده دادرسی و فرجام‌خواهی نمی‌شود. از طرفی دیگر اگر آنگونه که گفته شده است دادگاه نخستین بخواهد بر مبنای وحدت ملاک ماده ۱۹ ق.آ.د.م رسیدگی را متوقف کند تا نتیجه دادگاه تجدیدنظر مشخص شود (شمس عبدالله، ج ۱: ش ۴۳۲) نیز ممکن است عدالت به خوبی اجرا نشود زیرا این امر مستلزم پذیرش امر قضاوت شده اسباب موجهه حکم به نحو مطلق است. از سویی دیگر ممکن است قرارداد رسمی بنا به جهات قانونی مانند جهت نامشروع و ... باطل باشد در این صورت اگر حکم به خلع ید داده شود و سپس بر مبنای آن دعوای ابطال قرارداد و سند رسمی رد شود بی‌گمان دادستان مندی‌نیکو و احقاق حق نداده است. اگر هم دادگاه تجدیدنظر رسیدگی خود را متوقف کند تا نتیجه رای دادگاه نخستین مشخص شود و سپس در دادگاه تجدیدنظر به جهت ارتباط میان دعوای (ماده ۱۰۳ ق.آ.د.م) ادغام شود نخست آن که مستند قانونی وجود ندارد و ممکن است که همه دادرسان نپذیرند که از ماده ۱۹ ق.آ.د.م وحدت ملاک بگیرند و دوم آن که اگر دادگاه تجدیدنظر با وحدت ملاک ماده ۱۹ ق.آ.د.م قرار اناطه و توقف رسیدگی صادر کند بیگمان با نمونه‌های مشابهی مانند دعوای ورود ثالث و جلب ثالث و دعوای اضافی (ماده ۳۶۲ و ۵۱۵ ق.آ.د.م) که در آغاز و ابتدای دادگاه تجدیدنظر قابل طرح است همخوانی ندارد. زیرا دعوای یاد شده از آن رو که با دعوای اصلی مرتبط هستند و وابستگی آیینی دارند قابلیت طرح در دادگاه تجدیدنظر را ابتدای یافته‌اند. از همین رو به نظر

۱. مشابه ماده ۲۰۳ ق.آ.د.م ۱۳۱۸ اصلاحی ۱۳۳۴.

می‌رسد اگر بخواهیم به والاترین و گرانبهاترین عنصر فرهنگ ایرانی که خرد است متمسک شویم^۱ راهی نیست که بگویم در چنین مواردی نیز همچون دادرسی مدنی فرانسه پرونده مرتبط در حال رسیدگی در دادگاه نخستین نیز باید در دادگاه تجدیدنظر تجمیع شود.^۲ در حقیقت هنگامی که دعوی میان الف و ب در مرحله تجدیدنظر در خصوص مالکیت یک واحد آپارتمان در حال ساخت در حال رسیدگی باشد و شخص ج دعوی اثبات مالکیت و الزام به تنظیم سند رسمی با عنوان ورود ثالث مطرح کند به این دعوا در دادگاه تجدیدنظر رسیدگی می‌شود اما اگر ج دعوی خود را بر الف و ب با همان خواسته‌ها در دادگاه نخستین مطرح کند و عنوان آن را دعوی ورود ثالث نگذارد برابر نظر مخالف باید در دادگاه نخستین رسیدگی شود!!! نظری که با خرد همساز نیست و آفات و گزندها و آسیب‌های آن نیز زیاد است و باید با دوراندیشی از پذیرش آن پرهیز کرد.

۴. ادغام یا تجمیع در رسیدگی و اخواهی

پرسشی که می‌توان مطرح کرد این است که آیا در رسیدگی و اخواهی امکان تجمیع دعاوهای مرتبط وجود دارد یا خیر؟ در حقیقت از یک طرف برابر ماده ۳۰۵ و اخواهی نزد دادگاه صادرکننده رأی باید صورت بگیرد و از طرف دیگر برابر بند ۲ ماده ۸۴، ماده ۸۹ و ماده ۱۰۳ ق.آ.د.م رسیدگی همزمان به دعاوهای مرتبط باید صورت گیرد. چنانچه باورمند به امکان رسیدگی همزمان در و اخواهی باشیم، شیوه ادغام یا تجمیع چگونه است آیا اول دادگاه صادرکننده باید رأی را نقض کند و سپس پرونده را به دادگاه با سبق ارجاع بفرستد؟ یا آن که بدون نقض رأی پرونده را به دادگاه با سبق ارجاع می‌فرستند و دادگاه اخیر در صورت لزوم رسیدگی و رأی را فسخ یا تأیید می‌کند؟ این پرسش در کمیسیون قضایی دادگستری کل استان تهران مطرح شد و اکثریت قضات حاضر در جلسه بر این باور بوده‌اند که «اگر دو دادگاه صادرکننده رأی غیابی صلاحیت ذاتی یکسانی داشته باشند و نسبت به احکام غیابی صادره از آنها اعتراض شود، در صورتی که این دو دعوا دارای ارتباط کامل باشند، به استناد ماده ۱۰۳ ق.آ.د.م مصوب ۱۳۷۹ قاضی می‌تواند توأمان رسیدگی کند، زیرا ماده یادشده مختص رسیدگی بدوی نیست و از طرفی و اخواهی نیز ادامه رسیدگی بدوی می‌باشد، هرچند ماده ۳۰۵ این قانون بر حسب ظاهر چنین تجمیعی را منع کرده است، زیرا این ماده مقرر می‌دارد که رسیدگی و اخواهی در همان شعبه صادرکننده رأی غیابی باید انجام شود. اما با توجه به این که رسیدگی جداگانه به دعاوهای مرتبط در مرحله و اخواهی باعث افزایش اعمال قضایی متعارض می‌شود، از طرفی بند ۴ ماده ۴۲۶ و بند ۴ ماده ۳۷۱ ق.آ.د.م و ماده ۳۷۶ این قانون، تمامی آرای متعارض را دربر نمی‌گیرد، بنابراین بهترین راهکار این است که گفته شود ماده ۳۰۵ ق.آ.د.م

۱. بنگرید شاهنامه فردوسی در ستایش خرد یا رودکی یا پور سینا و ابوشکور و ناصر خسرو و ...

۲. برای نظر مشابه بنگرید به: (محسنی، ۱۳۹۱: ص ۸۸) و (هرمزی و فتاحی، ۱۴۰۰: ۱۶۹).

در خصوص آرای غیابی دعواهای غیر مرتبط می‌باشد و در خصوص دعاوهای مرتبط ماده ۱۰۳ این قانون در هر مرحله از رسیدگی حاکم است. در خصوص شیوه تجمیع پرونده‌ها در رسیدگی غیابی مطابق ماده ۱۰۳ قانون مذکور به دستور رئیس حوزه قضایی تجمیع می‌شود و رئیس حوزه قضایی طبق رویه قضایی باید پرونده را به شعبه‌ای که سبق ارجاع دارد، برگرداند. همچنین ارتباط، این امکان را به ما می‌دهد که بتوانیم با تجمیع دو دعوا در یک شعبه، با لحاظ سبق ارجاع و رعایت قواعد ارتباطی، رأی دادگاه دیگری را نقض یا تأیید کنیم و به هر دو دعوا در یک دادگاه رسیدگی کنیم. همچنین باید توجه داشته باشیم که تقدم و تأخر ماده‌های قانونی باعث حکومت و ورود هر یک بر دیگری نمی‌گردد و ماده‌های قانونی را باید با توجه به جمع آنها تفسیر نمود. این که قانون‌گذار در ماده ۳۰۵ قانون یادشده بیان داشته است که در دادگاه صادرکننده رأی باید رسیدگی شود، باید این را نیز مورد توجه داشت که در ماده ۱۰۳ آن قانون نیز بیان شده است که اگر دعوی دیگری که ارتباط کامل با دعوی طرح شده دارند، در همان دادگاه مطرح باشند، دادگاه به تمامی آنها یکجا رسیدگی می‌نماید و چنانچه در چند شعبه مطرح شده باشند، در یکی از شعب با تعیین رئیس شعبه اول یکجا رسیدگی خواهند شد و متعرض این نشده که در کدام مرحله این حکم جاری است. لذا در فرض سؤال، امکان اعمال ماده ۱۰۳ ق.آ.د.م وجود دارد و نیازی به نقض رأی جهت ارسال پرونده به شعبه‌ای که سبق ارجاع دارد و قرار است رسیدگی توأمان انجام دهد نیست.

در امور کیفری نیز مبانی مانند امور حقوقی است و فقط مواد استنادی آن فرق می‌کند. «اقلیت حاضران در جلسه با تکیه بر منطوق ماده ۳۰۵ ق.آ.د.م امکان رسیدگی همزمان در مرحله و اخواهی در موردی که پرونده‌ها در یک شعبه نباشد، مخالفت کرده‌اند و در صورت لزوم قائل به صدور قرار اناطه (ماده ۱۹ ق.آ.د.م) شده‌اند (مظفری، ۱۳۹۸: ۱۰۲-۱۰۱).

۵. اختلاف دادگاه‌ها در تشخیص ارتباط

۵-۱. امکانپذیری اختلاف

همانگونه که پیشتر گفته شده در صورت آگاهی دادگاه به وجود پرونده مرتبط در مرجع دیگر و در صورتی که سبق (پیشینه) ارجاع با خود این شعبه باشد پرونده شعبه دیگر را مطالبه می‌کند و معمولاً به واسطه تراکم کار قضاات دادگاه دوم از این امر استقبال می‌کنند و اختلافی رخ نمی‌دهد اما چنانچه پیشینه ارجاع با شعبه دادگاه دوم باشد و دادگاه احرازکننده ارتباط پرونده نزد خود را با تصمیم مقتضی نزد دادگاه دارای پیشینه ارجاع بفرستد امکان اختلاف وجود دارد. در حقیقت ممکن است دادگاه دارای پیشینه ارجاع تشخیص دهد که ارتباطی میان دعوها نیست و یا آن که با وجود احراز ارتباط میان دعوها بر این باور باشد که دارای پیشینه ارجاع نیست، در این صورت چه باید کرد؟ آیا تصمیم دادگاه احرازکننده ارتباط بر این دادگاه دارای پیشینه ارجاع تحمیل می‌شود یا آنکه دادگاه دارای پیشینه ارجاع حق بررسی احراز ارتباط میان پرونده‌ها و احراز پیشینه ارجاع را دارد و می‌تواند ارتباط میان پرونده‌ها را بررسی کند و در صورت

نبود ارتباط و پیشینه ارجاع تصمیم مقتضی را بگیرد؟ دادرسی دانان در فرضی که دادگاه مرجوع الیه تشخیص دهد که دارای پیشینه ارجاع نیست سخنی به میان نیاورده‌اند اما در فرضی که دادگاه مرجوع الیه بر این باور باشد که ارتباط میان پرونده‌ها وجود ندارد اختلاف نظر وجود دارند. برخی بر این باورند که دادگاه مرجوع الیه به استناد ماده ۸۹ ق.آ.د.م مکلف به رسیدگی است (شمس، ج ۱، ۱۳۹۷: ش ۸۰۳ و حسن‌زاده و افشار قوچانی، ۱۳۹۲: ۷۹). بنابراین از فحوای این کلام برمی‌آید که دادگاه مرجوع الیه حقی نسبت به بررسی ارتباط یا نبود ارتباط میان دعواها ندارد. این گفته از این حیث که پرونده در افسون احراز ارتباط مدت‌ها در بی‌تکلیفی شناور نمی‌شود، دارای دوراندیشی می‌باشد و پسندیده است. اما باید توجه داشت که این نظر تاکنون در رویه قضایی جایگاهی نداشته است و به نظر می‌رسد که به جهت آمارگرایی و تلاش برخی دادرسان که پرونده‌های به‌ویژه مسن، پیچیده، قطور یا ارباب رجوع‌های حاشیه‌دار با تمسک به هر موضوعی به عنوان ارتباط، پرونده را به دادگاه‌های دیگر واگذار می‌کنند در رویه قضایی نمی‌تواند جایگاهی بیابد و لذا این نظر واقع‌گرایانه نیست. از همین رو برخی دیگر با توسل به فلسفه آیین دادرسی مدنی بر این باورند که «تحمیل رسیدگی در دادگاه مرجوع الیه و نشناختن اختیار در بررسی ارتباط دعوا برای آن مرجع، با اصول و قواعد دادرسی سازگار نیست زیرا استقلال دادگاه‌های هم‌عرض اقتضاء می‌کند جز در مواردی که قانون مقرر کرده باشد، بررسی و اتخاذ تصمیم یک دادگاه بر دادگاه هم‌عرض تحمیل نشود...» (حسن‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۳۸)^۱ به گفته این دادرسی‌دان اختیار و استقلال در تشخیص صلاحیت (ماده ۲۶ ق.آ.د.م) به قاضی داده شده و تکلیفی به رعایت تصمیمات دادگاه دیگر ندارد. افزون بر اینها «از ماده ۸۹ ق.آ.د.م نیز تکلیف دادگاه مرجوع الیه رسیدگی به دعوی ارجاع شده فهمیده نمی‌شود زیرا این ماده در مقام بیان تکلیف دادگاه مؤخر، صرفاً به بیان وظیفه آن دادگاه در خودداری از رسیدگی و ارسال پرونده به دادگاه مقدم پرداخته و هیچ حکمی در خصوص وظیفه دادگاه مرجوع الیه ندارد. بر فرض اینکه تکلیف دادگاه مرجوع الیه به رسیدگی از این ماده فهمیده شود؛ مبتنی بر فرض مرتبط بودن دعوا است و البته با چنین فرضی دادگاه مرجوع الیه در تشخیص ارتباط دعوا می‌تواند نقش داشته باشد یا تشخیص دادگاه مؤخر در این خصوص برای دادگاه مرجوع الیه لازم‌الاتباع باشد؛ هیچ مطلبی از ماده مذکور استنباط نمی‌شود» (حسن‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۳۹).

۵-۲. نوع تصمیم دادگاه: قرار خودداری (امتناع) از رسیدگی یا عدم صلاحیت؟

چنانچه دادرس ارتباط میان پرونده‌ها را احراز کند در این صورت دادرس چه تصمیمی باید بگیرد محل بحث است و بسته این که پرونده در همان مرجع باشد (الف) یا مرجع دیگری (ب) می‌تواند پاسخ

۱. برای دیدن نظر حقوقدان دیگری درباره اختلاف دادگاه احاله شونده با دادگاه احاله‌کننده پرونده مرتبط بنگرید به:

متفاوت باشد:

الف) در همان مرجع: در فرضی که پرونده در یک شعبه می‌باشد، دادرس (ها) با صورت جلسه و گاهی با ذکر مختصر پرونده‌ها، آنها را ادغام می‌کند و دستور تعیین وقت همزمان به دفتر می‌دهند. در صورتی که پرونده‌ها در دو شعبه از یک دادگاه باشد؛ صدور قرار عدم صلاحیت منتفی است. در این فرض در نبود صراحت قانونی اختلاف نظر وجود دارد که آیا باید دادرس شعبه دیگر قرار خودداری (امتناع) از رسیدگی صادر کند یا خیر؟ برخی بر این باورند که دادگاه دیگر باید با لحاظ ماده ۸۹ و حالتی که پرونده‌ها در دو دادگاه هم‌عرض قرار دارد قرار امتناع از رسیدگی صادر کند (شمس، ج ۱، ۱۳۹۷: ش ۸۰۳).^۱ برخی دادرسان با یک دستور و بدون ذکر قرار خودداری از رسیدگی پرونده‌ها را برای ادغام به نظر مقام ارجاع می‌رسانند. برای نمونه شعبه دهم دیوان عالی کشور^۲ ضمن این که رسیدگی همزمان به پرونده‌های مرتبط را قابل اعمال در دیوان عالی کشور نیز دانسته است، پرونده را برای ارجاع به شعبه نهم دیوان به نظر معاونت ارجاع رسانده و سپس پرونده‌ها در شعبه نهم ادغام می‌شود. در این پرونده قرار امتناع از رسیدگی صادر نشده و تنها اعلام شده است: «با عنایت به اینکه پرونده‌های مذکور (مرتبط) در شعبه محترم نهم دیوان عالی کشور مورد رسیدگی قرار می‌گیرد لذا مقرر است دفتر پرونده جهت ارجاع به شعبه مذکور به نظر معاونت محترم قضائی دیوان عالی کشور برسد.»

ب) در مرجع دیگری: در فرضی که دعوای مرتبط در دست کم دو مرجع قضایی هم‌عرض است مانند دو دادگاه عمومی حقوقی یا دو دادگاه خانواده در دو حوزه قضایی یا دو دادگاه تجدیدنظر در دو استان برخی صدور قرار امتناع از رسیدگی را با استناد به ماده ۸۹ ق.آ.د.م لازم دانسته‌اند (شمس، ۱۳۹۷، ج ۱: ش ۸۰۳). اما از کلام برخی برمی‌آید که امکان صدور قرار عدم صلاحیت نیز وجود دارد (مهاجری، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۰۶-۳۸۶). برخی از دادرسی‌دانان نیز ضمن به نقد کشیدن این دو دیدگاه در نهایت صدور قرار امتناع از رسیدگی را ترجیح داده‌اند (حسن‌زاده، ۱۳۹۴، ۱۳۸-۱۳).

ایشان مسئله را از حیث دیگری مورد تأمل قرار داده‌اند که اگر دادگاه ارجاع‌دهنده «ارتباط» را احراز نکند. بحث اختلاف در دادگاه صالح رخ می‌دهد؛ «اما از آنجا که این اختلاف از طرف دادگاه دوم با قرار عدم صلاحیت بوده و از طرف دادگاه اول با قرار امتناع از رسیدگی بوده؛ بنابراین جنبه صلاحیتی ندارد و لذا با حالتی غیر معمول از تعارض از صلاحیت مواجه هستیم که با حالت‌های معمولی تعارض در صلاحیت که هر طرف به اعتبار صلاحیت طرف دیگر از خود نفی صلاحیت می‌کند، تفاوت دارد و حالت ویژه‌ای از تعارض است که در قانون حکم خاصی در مورد آن یافت نمی‌شود و نمی‌توان آن را مشمول مواد قانونی مربوط به حل تعارض در صلاحیت (مواد ۲۷ تا ۳۰)

۱. همچنین بنگرید به: (مهاجری، ۱۳۸۷، ج ۱: ۳۸۵) که با عبارت ترجیح دادن آورده است.

۲. دادنامه ۲۸۱۰۰۹۰۷۰۹۹۷۰۹۳۰-۱۰ تاریخ ۱۳۹۳/۵/۲۰.

ق.آ.د.م دانست و با توجه به سکوت قانون و شباهت آن به حالت‌های معمولی تعارض در صلاحیت و ارتباط کامل (حداقل از یک طرف) این تعارض به صلاحیت و نیز وجود همان فلسفه‌ای که در تعارض در صلاحیت سبب وضع مقررات مربوط به چگونگی حل آن شده و بالاخره راه‌حل بهتری هم به‌نظر نمی‌رسد، می‌توان برای حل چنین تعارضی از همان مقررات مربوط به حل تعارض در صلاحیت استفاده کرد و رویه قضایی می‌تواند با در پیش گرفتن چنین راه‌حلی تردیدها در این زمینه را برطرف کند.» (حسن‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۴۰-۱۴۱) در ایران برخی حقوقدانان گفته‌اند بحث احاله پرونده ناشی از ارتباط از یک دادگاه به دادگاه دیگر از مقوله عدم صلاحیت است و بنابراین مقررات اختلاف در صلاحیت در اینجا حاکم است.^۱

این بحث از حیث اصول فقه قابل بررسی است به این معنا که صلاحیت دادگاه احاله‌دهنده پرونده مرتبط تا زمان احاله مستقر بوده است (یقین سابق) و در صورت شک در این که در این که اختلاف در صلاحیت، قواعد و مقررات حاکم برای رفع تعارض در صلاحیت (مواد ۳۰-۲۷ ق.آ.د.م) حاکم می‌شود. توضیح آن که می‌دانیم که ارتباط میان دعواها در صورت احراز، صلاحیت را از دادگاه دوم سلب می‌کند؛ لذا تنها دادگاه مقدم در رسیدگی صالح به رسیدگی می‌باشد. بنابراین شک می‌کنیم که ارتباطی (رافع) میان پرونده‌ها وجود دارد یا خیر؟ و آیا این رافع می‌تواند مساله را از زیر مقررات صلاحیت خارج کند؟^۲ در حقیقت در اینجا شک نداریم که اگر در صلاحیت دادگاه اول رافعی مانند ارتباط نیامده بود، صلاحیت آن مرجع ادامه می‌داشت و مقررات حاکم بر اختلاف در صلاحیت نیز حاکم می‌شد. یعنی شکی در مقتضی و قابلیت ادامه صلاحیت نداریم اما شک وجود دارد که رافع مطرح شده بر روی صلاحیت دادگاه اول اثر گذاشته یا خیر. اگر ما بتوانیم اثبات کنیم که این رافع نمی‌تواند مساله را از تحت مقررات صلاحیت خارج کند، لذا مقررات حاکم بر اختلاف صلاحیت نیز تعیین‌کننده خواهد بود.

در اصول فقه ما در این باره اختلاف نظر است. در شک در وجود رافع، استصحاب جاری می‌کنند اما در شک در رافعی موجود، استصحاب جاری نمی‌کنند^۳ و برخی میان این دو تفصیل قائل نیستند^۴ و استصحاب را در هر دو قسم معتبر و دارای حجیت می‌دانند (انصاری، ۱۳۷۷، ج ۳: ۴۸-۴۷). منشأ

۱. بنگرید: (مهاجری، علی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۳۸۶) که اجرای قواعد حل تعارض اختلاف در صلاحیت را در خصوص

اختلاف دادگاه‌ها در تشخیص ارتباط، بعید ندانسته است و نیز (حسن‌زاده، مهدی، ۱۳۹۴: ۱۴۱-۱۳۸).

۲. تفصیل بین شک در مقتضی و شک در رافع نخستین بار در کتاب معارج الاصول محقق حلی مطرح شد. (بنگرید به: مظفر، ۱۳۹۱، ج ۳: ۵۶۲).

۳. محقق سبزواری به نقل از: (مظفر، ۱۳۹۱: ۵۶۷)

۴. شیخ انصاری به نقل از: (مظفر، ۱۳۹۱: ۵۶۷)

شک در رافعیت موجود ناشی از چند مورد است (محمدی، بی تا: ۷۰ به بعد). گاه ناشی از اشتباه در مفهوم است. برای مثال دادرسی می‌داند که ارتباط میان دعوای بر صلاحیت اثر می‌گذارد، اما وی شک دارد که وحدت منشأ ضابطه ارتباط است یا خیر؟ گاهی شک در رافعیت موجود ناشی از جهل به صفت شی موجود است؛ یعنی دادرسی می‌داند که ارتباط بر صلاحیت اثر می‌گذارد اما نمی‌داند این امر ناشی از ارتباط «کامل» باید باشد یا ارتباط «کافی» و نیز گاهی شک در رافعیت ناشی از شک در مصداق است؛ در همه این موارد منشأ شک در رافعیت موجود است؛ در این صورت برابر نظر فقها استصحاب انجام می‌شود و لذا با استصحاب حاکمیت مقررات صلاحیت، مقررات حاکم بر حل اختلاف در صلاحیت نیز حاکم می‌شود و دادگاه باید قرار عدم صلاحیت صادر کند.

صرف نظر از حجیت استصحاب در این مورد که مسئله را همچنان زیر عنوان صلاحیت نگاه می‌دارد، به باور ما اختلاف در تشخیص ارتباط مشمول مقررات اختلاف در صلاحیت است. در حقیقت هنگامی که ارتباط به عنوان عنصر جدیدی بر صلاحیت مستقر عارض می‌شود، صلاحیت دادگاه دیگر غیر مؤثر و ناکافی و ناکارآمد می‌شود و صلاحیت از مرجع دیگر گرفته می‌شود و به صلاحیت مرجع دیگر افزوده می‌شود و لذا گسترش دامنه صلاحیت رخ می‌دهد و حتی اگر دادگاه‌ها با وجود ارتباط میان دعوای رسیدگی کنند و رأی دهند، رأی مرجع دیگر از مرجع فاقد صلاحیت محلی یا نسبی صادر شده است. از سویی دیگر با توجه به اینکه اگر میان دادگاه‌های هم‌عرض در خصوص وجود ارتباط میان دعوای اختلاف نظر افتد، مرجعی باید وجود داشته باشد که رفع اختلاف نظر کند. دیدگاهی که قائل به صدور قرار عدم صلاحیت می‌باشد، واقع‌گرایانه‌تر است. درحقیقت هرچند از لحاظ تکنیک‌های حقوقی پذیرش دیدگاهی که قائل به صدور قرار امتناع از رسیدگی می‌باشد به ظاهر عبارت «از رسیدگی به دعوا خودداری کرده...» (ماده ۸۹) نزدیک‌تر است اما به نظر می‌رسد که صدور قرار نبود صلاحیت نیز دادرسی از رسیدگی خودداری کرده است و از سویی حقوق هنگامی معنای اصیل خود را می‌یابد که با مصالح و واقعیت‌ها و نیازها همگام و همسو باشد و از این رو، برای قرار نگرفتن در یک «بن بست آشوب‌گرایانه» در صورت تعارض دادگاه‌ها در وجود ارتباط، قائل شدن به صدور قرار عدم صلاحیت توجیه‌پذیر است به‌ویژه که ارتباط موجب گسترش صلاحیت می‌شود و با وجود ارتباط میان دعوای دادگاهی که نخست، دارای صلاحیت بوده، فاقد صلاحیت محسوب می‌شود.

رویه قضایی نیز کم‌کم راه خود را یافته و مقررات اختلاف در صلاحیت را حاکم دانسته است. برای نمونه دادخواست جلب ثالثی به شعبه اول دادگاه حقوقی مرند تقدیم شده و این دادگاه ارتباط را احراز نکرده و قرار عدم صلاحیت به دادگاه حقوقی شهر تهران صادر کرده است و شعبه ۹۱ دادگاه حقوقی شهر تهران^۱ با

احراز ارتباط میان دعاوی و قرار عدم صلاحیت به شایستگی دادگاه حقوقی مرند صادر کرده و در راستای تبصره ماده ۲۷ ق.آ.د.م برای حل اختلاف به شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور ارجاع شده و این شعبه با پذیرش اینکه در حالت اختلاف در تشخیص ارتباط، مقررات اختلاف در صلاحیت حاکم می‌باشد، در نهایت به صلاحیت دادگاه عمومی حقوقی مرند اظهار نظر کرده است.^۱ شعبه ۵ دادگاه حقوقی شهرستان تالش نیز در دادنامه ۱۴۰۲۳۳۹۰۰۰۰۶۱۵۲۴۴ تاریخ ۱۴۰۲/۰۲/۱۳ به جهت وجود پرونده مرتبط در شعبه چهارم دادگاه حقوقی شهرستان رشت قرار عدم صلاحیت صادر کرده است و پرونده را برای حل اختلاف در صلاحیت به دادگاه تجدیدنظر استان گیلان فرستاده است. در فرانسه نیز با وجود اینکه قانونگذار در ماده ۱۰۰ و ۱۰۱ تعبیر از رسیدگی خودداری کند به کار برده اما در نهایت مقررات اختلاف در صلاحیت را حاکم دانسته است.

- ضمانت اجرای نقض رسیدگی همزمان به پرونده‌های مرتبط

پرسش دیگری که مطرح می‌شود این است که در صورتی که دادگاه با وجود ارتباط میان پرونده‌ها رسیدگی جداگانه انجام دهد آیا این امر از موارد فسخ یا نقض حکم در دادگاه پژوهش یا دیوان عالی کشور می‌باشد یا خیر؟

شعبه ۲۵ دیوان عالی کشور در دادنامه ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۸۵۰۰۳۷۷ رسیدگی نکردن همزمان به دعاوی اصلی با موضوع خلع ید و قلع و قمع و دعوی متقابل با موضوع اثبات احیاء اراضی مورد دعوا و موات و بایر نبودن را به استناد بند ۵ ماده ۳۷۱ ق.آ.د.م موجب نقض دادنامه صادر شده و ارسال به همان شعبه برای انجام رسیدگی همزمان و تصمیم‌گیری توانان دانسته است.^۲ و دعوی شعبه ۲۱ دیوان عالی ایران^۳ رسیدگی نکردن همزمان به پرونده‌های دارای ارتباط کامل (دعوی اصلی با خواسته خلع ید و قلع و قمع و دعوی متقابل با خواسته ابطال سند رسمی) را با توجه به نقض اصول وقواعد آمرانه مستند به بند ۳ ماده ۳۷۱ موجب نقض حکم دانسته است. شعبه ۸ دیوان عالی کشور نیز در دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۶۸۰۱۶۴۵ تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۱ عدم رسیدگی همزمان به دعوای مرتبط را موجب نقض دادنامه دانسته است.^۴ شعبه ۲۶ دادگاه تجدیدنظر استان فارس نیز در دادنامه شماره ۱۴۰۱۱۲۳۹۰۰۰۰۵۱۳۷۳۰ تاریخ ۱۴۰۱/۱۱/۲۹ در مقام تجدیدنظرخواهی از دادنامه شماره ۴۳۳۹/۱۴۰۰ تاریخ ۱۴۰۰/۰۶/۱۵ شعبه دو دادگاه حقوقی شیراز در خصوص دعوایی

۱. شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور، پرونده کلاسه ۹۱۰۶۱۸/۲۱.

۲. سامانه ملی آرای قضایی <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/10839> بررسی و نقد و تحلیل بیشتر آیین رای‌ها نیازمند پژوهش جداگانه‌ای است.

۳. فرجام‌خواسته دادنامه شماره: ۹۲-۰۰۹۳۹۹-۱۳۹۲/۴/۱۸ صادره از شعبه اول دادگاه حقوقی بیرجند.

4. <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/7634>

که بدون توجه به دادخواست جلب شخص ثالث حکم صادر شده است را موجب نقض خصوصیت وابستگی آیینی دعوای مرتبط و تجزیه ناپذیر و اصل تسلط دانسته و در نهایت به این نتیجه جالب رسیده که قضاوت شایسته صورت نگرفته و تصمیم گرفته شده واجد خصوصیات رسیدگی ماهوی نبوده و حکم صادر شده را قرار تلقی کرده و برای رسیدگی همزمان پرونده را به دادگاه نخستین برگشت داده است.^۱

نتیجه گیری

وجود مقررات و ضابطه‌های روشن برای رسیدگی همزمان به دعوای مرتبط یکی از لوازم حق دادخواهی و حق دسترسی به عدالت و در راستای اصل شایسته جریان دادرسی می‌باشد از همین رو ضرورت رسیدگی همزمان به دعوای مرتبط را می‌توان یکی از اصول ساده دادرسی مدنی دانست که به جهت پذیرش و مقبولیت جهانی آن یکی از اصول جهانشمول حقوق دادرسی است. در مرحله اعمال رسیدگی همزمان در دعوای مرتبط ممکن است مسائل مختلفی رخ دهد. در دادرسی مدنی فرانسه گفته شده هرچند دادگاه رأساً می‌تواند دستور ادغام پرونده‌ها به جهت ارتباط را صادر کند، اما اگر این درخواست از وی نشده باشد، تکلیفی به انجام این کار ندارد در دادرسی مدنی این گفته با توجه به لحن ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی و نیز مبانی رسیدگی همزمان در ایران قابل پذیرش نیست. در صورتی که سپس دادرسی متوجه شود که تشخیص وی در احراز ارتباط میان پرونده‌ها نادرست بوده است در آیین دادرسی مدنی ایران بر خلاف آیین دادرسی مدنی فرانسه (ماده ۳۶۷) نص کلی‌ای در مورد دعوای مرتبط یا طاری وجود ندارد که دادگاه می‌تواند دستور جداسازی آنها را صادر کند اما با استقراء از ماده‌های ۱۳۳ در زیر دعوای ورود ثالث و ماده ۱۳۹ ق.آ.د.م و نیز تحلیل ماهیت عمل قضایی ادغام و تجمع پرونده‌ها که یک دستور ساده قضایی و از ترتیبات اداری دادگاه می‌باشد می‌توان این نتیجه را گرفت. در حقوق فرانسه هر چند برابر ماده ۵۳۷ کد آیین دادرسی مدنی ترتیبات اداری قابل اعتراض نیست اما برابر آرای متعدد از دیوان عالی کشور فرانسه در صورتی که دادگاه از محدوده اختیارات و رویه ثابت تجاوز کرده باشد قابل اعتراض دانسته است و دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز در مواردی تصمیم به ادغام یا جداسازی دعوای مرتبط را در چهارچوب اصل اداره شایسته دادرسی^۲ و کارکرد معقول و مناسب بودن آن را مورد بررسی قرار داده است در ایران با توجه به شیوه‌های شکایت از رای (از جمله ماده‌های ۳۳۱ و ۳۳۲ و ۳۶۷ و ۳۶۸ ق.آ.د.م) و نص‌گرایی و نقل‌گرایی‌هایی که در تفسیر متون دادرسی در دانشگاه‌ها و دادگاه‌ها وجود دارد تا

۱. پرونده ۰۰۲۶۰۰۶۶۹۰۰۱۲۹۲۰۱۴۰۰۱۱۸۸ بایگانی شعبه ۰۰۰۱۱۸۸ مستشاران: نصرالله ایزدی‌خواه، جمال جعفرزاده خوب.

همچنین بنگرید به: (فتحی و هرمزی، ۱۴۰۲).

اطلاع ثانوی دور از ذهن است که چنین تفسیرهایی بتواند جایگاهی بیابد با این وجود رویه قضایی در حرکتی قابل تحسین چنانچه دادرسی رسیدگی همزمان میان پرونده‌های مرتبط را مقرر ندادن رای را قابل فسخ و نقض دانسته است.

چنانچه پرونده در دو شعبه از یک مرجع باشند دادرسان مکلف هستند که در صورت احراز ارتباط میان دعواها، ادغام را انجام دهد و از این رو برخی آرای قضایی که حکایت از این دارد که دادگاه می‌تواند یا قرار توقف صادر کند و یا آن که رسیدگی را ادغام کند، تصمیم قابل دفاعی نیست. هنگامی که پرونده‌های مرتبط در دو شعبه در جریان رسیدگی هستند، در عمل درباره اینکه چرا دعواها مرتبط هستند و این که تشخیص احراز آن با قاضی رسیدگی کننده است یا مقام ارجاع نیز می‌تواند بر امر ارتباط نظارت کند و یا آن که شعبه ارجاع شونده نیز می‌تواند به جهت نبود ارتباط میان پرونده‌ها پرونده را به شعبه اولیه برگشت دهد اختلاف دیدگاه وجود دارد. به نظر می‌رسد هنگامی که میان دو شعبه اختلاف محقق شد مقام ارجاع در راستای استثنای زیر ماده ۳۹۱ ق.آ.د.م و نیز اصل اداره شایسته جریان دادرسی می‌تواند بر وجود یا عدم وجود ارتباط میان پرونده‌ها نظر دهد. رسیدگی همزمان در تمام مقاطع و مراحل دادرسی را شامل می‌شود و از جمله در رسیدگی و اخواهی را شامل می‌شود. چنانچه یک دعوا در مرحله نخستین باشد و دعوای دیگر در مرحله تجدیدنظر برابر ماده ۱۰۲ آیین دادرسی مدنی فرانسه دعوا در دادگاه تجدیدنظر تجمیع می‌شود در ایران قانون در این مورد ساکت است و نویسندگان دادرسی اختلاف دیدگاه دارند. به نظر می‌رسد با توجه به وابستگی آیینی دعوای مرتبط و ضرورت رسیدگی همزمان به آنها وحدت ملاک از ماده‌هایی که طرح دعوای طاری که نوعی از دعوای مرتبط می‌باشد مانند طرح دعوای ورود ثالث (۱۳۰) و جلب ثالث (۱۳۵) و دعوای اضافی (ماده ۳۶۲ و ماده ۵۱۵) با دور اندیشی همراه است و آفات و آسیب‌های رسیدگی جداگانه را به شدت کاهش می‌دهد.

هنگامی که دعوای مرتبط در دو مرجع قضاوتی دارای صلاحیت محلی است بر خلاف گفته مشهور که دادرسی باید قرار خودداری (امتناع) از رسیدگی صادر کند به باور ما اختلاف در تشخیص ارتباط مشمول مقررات اختلاف در صلاحیت است و دادگاه باید قرار عدم صلاحیت صادر کند. درحقیقت با صدور قرار صلاحیت نیز دادرسی خودداری کرده است (ماده ۸۹ ق.آ.د.م) و از سویی دیگر برای قرار نگرفتن در یک «بن‌بست آشوب‌گرایانه» در صورت تعارض دادگاه‌ها در وجود ارتباط، قائل شدن به صدور قرار عدم صلاحیت توجیه‌پذیر است به‌ویژه که ارتباط موجب گسترش صلاحیت می‌شود و با وجود ارتباط میان دعواها دادگاهی که نخست، دارای صلاحیت بوده، فاقد صلاحیت محسوب می‌شود.

فهرست منابع

الف) کتاب‌ها و مقاله‌ها

- انصاری، مرتضی بن محمدامین، ۱۳۷۷ش، *فرائد الاصول*، جلد سوم، مجمع الفکر اسلامی.
- حسن‌زاده، مهدی و افشار قوچانی، زهره، ۱۳۹۲ش، «ایراد امر مرتبط در نظام دادرسی مدنی (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و فرانسه)»، فصلنامه پژوهش‌های تطبیقی، سال ۱۷، ش ۲.
- حسن‌زاده، مهدی، ۱۳۹۴ش، «اثر ارتباط دعاوی در دادرسی مدنی»، نشریه مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره هفتم، ش ۱.
- شمس، عبدالله، ۱۳۹۷ش، *آیین دادرسی مدنی پیشرفته*، جلد سوم، انتشارات دراک، چ ۳۸.
- شمس، عبدالله، ۱۳۹۷ش، *آیین دادرسی مدنی پیشرفته*، جلد نخست، انتشارات دراک، چ ۳۸.
- شمیسا، سیروس، ۱۳۷۰ش، بیان، تهران، انتشارات فردوس.
- محسنی، حسن، ۱۳۹۱ش، «دعاوی مرتبط و ناکارآمدی مقررات مرتبط»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۷۷.
- محمدی، علی، شرح *رسائل*، انتشارات دارالفکر، چاپ سوم، بی تا.
- مظفر، محمدرضا، ۱۳۹۱ش، *اصول الفقه*، ترجمه عباس زراعت و حمید مسجد سرایی، جلد سوم، انتشارات پیام نوآور (حقوق اسلامی سابق)، چ ۴.
- مظفری، احسان، ۱۳۹۸ش، مجموعه دیدگاه‌های حقوقی و قضایی قضات دادگستری استان تهران در امور مدنی (کمیسیون‌های ماهانه قضایی سال ۱۳۹۴)، جلد نخست، انتشارات جنگل.
- مهاجری، علی، ۱۳۸۷ش، *مبسوط در آیین دادرسی مدنی*، جلد نخست، انتشارات فکرسازان.
- هرمزی خیرالله و فتحی بدیع، ۱۴۰۰ش، «گسترش دامنه صلاحیت ذاتی ناشی از ارتباط دعاوی مدنی»، مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و فرانسه با تأکید بر رویه قضایی، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۵۱، ش ۱.
- هرمزی خیرالله، ۱۳۹۷ش، «جمع و تفکیک بین دعاوی و مقایسه آن با تجزیه یک دعوی به چند دعوی در حقوق ایران و فرانسه»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال ششم، ش ۲۳.
- همایی، جلال‌الدین، ۱۳۸۹ش، *فنون بلاغت و صناعات ادبی*، تهران، انتشارات اهورا.
- Cadiet, Loïc (2016), *Connexité, Répertoire de procédure civile*.
- Didier, Cholet (2006), *La célérité en droit processuel, LGDJ*.
- Magendie, Jean-Claude (2004), *Célérité et qualité de la justice. La gestion du temps dans le procès. Rapport remis au Garde des sceaux, La documentation française*.
- Mélinea Douchy-Oudot (2017), *Demande reconventionnelle, Répertoire de procédure civile*.
- Dominique d' AMBRA (2014), *Intervention, Répertoire de procédure civile*.

ب) دادنامه‌ها

- پرونده کلاسه ۹۱۰۶۱۸/۲۱، شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور.
- دادنامه شماره ۴۳۳۹/۱۴۰۰ تاریخ ۱۴۰۱/۱۱/۲۹ صادره از شعبه ۲۶ دادگاه تجدیدنظر استان فارس.
- دادنامه شماره ۴۳۳۹/۱۴۰۰ تاریخ ۱۴۰۰/۶/۱۵ صادره از شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی شیراز.
- دادنامه فرجام خواسته شماره: ۹۲-۰۰۹۳۹۹-۱۳۹۲/۴/۱۸ صادره از شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی بیرجند، مستشار

